

شناسایی و ساختاردهی موانع توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش از منظر معلمان مرد شرکت کننده در مسابقات علمی، فرهنگی، ورزشی

حامد حسین پور¹، علی محمد امیر تاش²

پذیرش: 97/11/17

دریافت: 97/9/26

چکیده

تحقیق حاضر که با هدف تحلیل موانع توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش طراحی شده، از نوع تحقیقات توصیفی تحلیل می‌باشد که به صورت میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش تمامی معلمان شرکت کننده در بیست و هشتمین دوره رقابت‌های علمی و تخصصی آموزش و پرورش کشور و شامل 192 معلم ورزش مرد بود. ابزار تحقیق یک پرسش نامه محقق ساخته بود. در جهت ساختاردهی به موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش از روش مدل سازی ساختاری تفسیری و همچنین روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در کل 6 عامل (مدیریتی، زیرساختی، آموزشی، فرهنگی، مالی و فردی) 83/589 درصد از واریانس کل سؤالات را در بر گرفت. نتایج همچنین نشان داد که موانع آموزشی و مدیریتی جزو موانع مستقل کلیدی می‌باشند که سبب تأثیرگذاری بر سایر موانع می‌گردند. با توجه به نتایج مشخص شد که با توجه به مسائل آموزشی و مدیریتی در خصوص دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش می‌توان امید داشت که شرایط جهت بهبود این دوره‌ها فراهم شود.

کلید واژه‌ها: مدیریت، آموزش، فوق برنامه، معلم تربیت بدنی، برنامه‌های ورزشی.

1. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

2. استاد گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده

مسئول، pejooheshgmail.com

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش، به عنوان یک سازمان مهم، سهم قابل توجه‌ای از بودجه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به اهمیت و نقش تعلیم و تربیت، به‌خصوص در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، ضروری است در جهت بهبود کیفیت آموزش و پرورش، فعالیت‌های اساسی صورت گیرد تا از به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی جلوگیری شود (سیحانی‌نژاد، نجفی و نورآبادی، 1396: 26). آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار شناخته شده است (هاینز و زدرویک¹، 2018: 55). هر کشوری در جهان، بخش بزرگی از درآمد ملی خود را برای گسترش و بهبود کارآیی آن اختصاص می‌دهد. در واقع آموزش و پرورش رکن اساسی جوامع انسانی محسوب می‌شود و شناسایی عوامل مؤثر در بهبود کارکرد این نهاد، پیدا کردن نقاط قوت و ضعف آن و ایجاد تغییرات مفید با توجه به نیازهای جامعه از ضروریات است (حمیدی و همکاران، 1396: 33). آموزش و پرورش به عنوان بالاترین مرجع و سازمان حاکم بر ورزش مدارس در کشور، وظیفه توسعه و ترویج آن را بر عهده دارند. موفقیت آموزش و پرورش در این زمینه، با اشاعه ورزش در مدارس گره خورده است. امروزه ورزش این پتانسیل را دارد که تأثیر مهمی بر جامعه بگذارد (کریستنسن و سورنسن²، 2009: 117).

در حالی که ورزش فواید متعددی برای شرکت‌کنندگان در سراسر جهان فراهم می‌سازد، اما سطح مشارکت ورزشی رو به کاهش و یا رکود رفته است (چالپ³، 2006: 20). برای تمامی افراد مشخص است که افزایش مشارکت‌های ورزشی در سطح جامعه می‌تواند سبب توسعه سلامت، مسائل اقتصادی و اجتماعی گردد (وانگ⁴ و همکاران، 2004: 90). مطالعات بسیاری نشان داده است که مشارکت‌های ورزشی به صورت نابرابر در گروه‌ها و جوامع مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که مردان نسبت به زنان مشارکت ورزشی بیشتری دارند و یا جوانان و نوجوانان مشارکت ورزشی بیشتری نسبت به افراد بزرگسال دارند. این مسأله در تحقیقات مختلفی به اثبات رسیده است، اما نمی‌توان آن را در تمامی جوامع و کشورها تأیید نمود (ایواساکی⁵ و همکاران، 2007: 113). مرکز آمار کشور آمریکا در سال 2009 اعلام کرد که مشارکت ورزشی مردان این کشور 39 درصد می‌باشد، این در حالی بود که مشارکت زنان

-
1. Heinze & Zdroik
 2. Christensen & Sorensen
 3. Chalip
 4. Wang
 5. Iwasaki

23 درصد بود. همچنین این مرکز اعلام نمود که با افزایش سن، مشارکت ورزش کاهش می‌یابد. به عنوان مثال در کشور آمریکا مشارکت ورزشی افراد 18 تا 24 ساله 42 درصد است و مشارکت ورزشی افراد 45 تا 54 سال 23/9 درصد می‌باشد (وانگ و همکاران، 2004: 90).

یکی از راهکارهای بهبود مشارکت‌های ورزشی در میان گروه‌های مختلف، ارتقاء وضعیت برنامه‌های اوقات فراغتی می‌باشد. برنامه‌های اوقات فراغت به عنوان یک مسأله مهم و اساسی نقش مهمی در بهبود برخی جنبه‌های ورزشی در میان افراد دارد. به عبارتی تقویت برنامه‌های اوقات فراغت منجر به نهادینه شدن ورزش در میان گروه‌های مختلف می‌شود (داگکاس¹، 2018: 68). یکی از ویژگی‌های آموزش و پرورش پیشرفته و مدرن، توجه ویژه به فعالیت‌هایی است که معلمان در بیرون از کلاس و مدرسه انجام می‌دهند. این قبیل فعالیت‌ها بدون شک در رشد معلمان مؤثر هستند. بر دستگاه تعلیم و تربیت هر کشوری واجب است در راستای این مهم وارد عرصه شده و زمینه‌های اجرایی این فرایند را فراهم بیاورد (سبحانی نژاد و همکاران، 2013: 28). فعالیت‌های فوق برنامه معلمان در صورتی که تقویت شود می‌تواند سبب ارتقای وضعیت عملکردی معلمان گردد. از این رو توسعه برنامه‌های فوق برنامه نقش مهمی در گسترش و توسعه دستیابی آموزش و پرورش به اهداف تربیتی و آموزشی خود دارد. کیفیت برنامه‌های فوق برنامه ویژه معلمان در آموزش و پرورش یکی از اهداف نظام‌های تربیتی در کشورهای پیشرفته می‌باشد. این رو، در این کشورها همواره تلاش برای تقویت برنامه‌های فوق برنامه در آموزش و پرورش وجود دارد (حمیدی و همکاران، 2013: 34).

یکی از انواع فعالیت‌های فوق برنامه، فعالیت‌های ورزشی و گسترش آن در میان گروه‌های مختلف است. بهبود مشارکت ورزشی که به واسطه توسعه برنامه‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش انجام می‌گیرد سبب بهبود وضعیت جسمانی و روانی دانش‌آموزان (رتینگ و هو²، 2016، 429) و معلمان (کریک³، 2005: 241) می‌گردد. فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در مدارس به عنوان راهکاری ارزشمند در جهت توسعه پایدار ورزش در جامعه می‌باشد (ماسی⁴ و همکاران، 2015: 19). داگکاس⁵ (2018) اشاره دارد که توسعه ورزش در مدارس در میان دانش‌آموزان و معلمان سبب خواهد شد فرهنگ‌سازی ورزش در جامعه به شکل مناسبی انجام گیرد. شناخت علل و عوامل توسعه فعالیت‌های فوق برنامه

1. Dagkas
2. Rettig & Hu
3. Krik
4. Massey
5. Dagkas

ورزشی، می‌تواند موجب تدوین راهکارهایی جهت مشارکت هرچه بیشتر دانش‌آموزان و معلمان در این برنامه‌ها و در نتیجه ارتقاء سطح تندرستی و سلامت روانی و جسمانی آنان شود (گوست¹، 2018: 42).

با توجه به اهمیت ورزش و توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش نیاز به انجام تحقیقات جامع در خصوص عوامل مؤثر بر توسعه این فعالیت‌ها در هر جامعه‌ای نیاز است. این در حالی است که در برخی تحقیقات به این مسأله اشاره شده است. میر، هارتمن و لارسون² (2018) اشاره داشتند که بهبود مسائل زیرساختی از جمله مراکز تخصصی ورزشی از جمله عوامل توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در مدارس می‌باشد. رودریگوز، پادز و ماچادورودریگوئز³ (2017) و دیرینگر و جاج⁴ (2015) نیز اشاره داشتند که برخی مشکلات مربوط به امکانات و تجهیزات سبب بروز مشکلات در مسیر فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی می‌گردد. از طرفی رینر⁵ و همکاران (2015) به مسائل مربوط به فرهنگ در جهت توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه اشاره داشتند و پی بردند که موانع مربوط به فرهنگ‌سازی اولین مشکل و معضل در مسیر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی است. پوماهاسی و سوپا⁶ (2017) نیز مشخص نمودند که آموزش به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه فعالیت‌های اوقات فراغتی می‌باشد. عدم انجام تحقیقات جامع در این حوزه و همچنین نبود تحقیقات تخصصی به‌ویژه در کشور ایران سبب شده خلاً تحقیقاتی در این حوزه به خوبی شکل گیرد. عدم بررسی‌های جامع در جهت شناسایی موانع مؤثر بر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش سبب شده توسعه این فعالیت‌ها در آموزش و پرورش از رویه علمی برخوردار نباشد و تمامی جوانب در مسیر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی مورد بررسی قرار نگیرد. از این رو، در جهت توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش نیاز به بررسی‌های علمی در مسیر شناسایی موانع مؤثر بر توسعه این فعالیت‌ها به خوبی درک می‌شود. به نظر می‌رسد عدم بررسی‌های جامع در این حوزه سبب خواهد شد تا مسیر توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش با مخاطرات جدی مواجه باشد که این سبب تأثیرگذاری بر اهداف عالی ورزش در آموزش و پرورش خواهد بود. بدون شکل در جهت توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی موانعی وجود دارد که شناسایی این موانع نمی‌تواند به صورت صرف به بهبود دوره‌های فوق‌برنامه

1. Guest
2. Meier, Hartmann & Larson
3. Rodrigues, Padez & Machado-Rodrigues
4. Dieringer & Judge
5. Rainer
6. Pomohaci & Sopa

ورزشی منجر شود. بدون شک موانع موجود در این حوزه می‌توانند بر یکدیگر تأثیر گذاشته و سبب ایجاد تقدم و تأخر موانع شوند و حتی در برخی شرایط سبب شکل‌گیری برخی موانع جدید شوند. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری از جمله روش‌های مهم می‌باشد که جهت پاسخ‌گویی به این مسأله ایجاد شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و به هم مرتبط در یک مدل نظام‌مند جامع ساختاردهی می‌شوند (وارفیلد¹، 1974: 53). این روش به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌نماید (فایسال²، 2006: 535). یکی از اصلی‌ترین منطقی‌های این روش آن است که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این متدولوژی به دست می‌آید، ساختاری از یک مسأله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی به دقت طراحی شده می‌باشد (فایسال، 2006: 536). این مسأله سبب شده تا نیاز به ساختاردهی این موانع جهت بررسی تأثیرات متقابل این موانع بر یکدیگر جهت انجام تحلیل‌های مناسب و علمی‌تر ضروری باشد. با توجه به خلأ تحقیقاتی در این حوزه نیاز است تا تحقیقات جامع، این مسأله را مورد پوشش قرار دهند. با این توجه، تحقیق حاضر با هدف تعیین موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش طراحی و اجرا گردید. بنابراین سؤال تحقیق حاضر این است که موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش کدامند؟ میزان اهمیت هر یک از این موانع به چه صورت است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی است که به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری این تحقیق تمامی معلمان ورزش آگاه به مسائل ورزشی در مدارس و آموزش و پرورش می‌باشند. با توجه به این که هر ساله مسابقات کشوری معلمان ورزش در حوزه علمی و عملی انجام می‌گیرد و استان‌های کشور، معلمان خیره خود در بعد علمی و عملی را به این مسابقات اعزام می‌نمایند، از این رو، جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی معلمان شرکت‌کننده در بیست و هشتمین دوره رقابت‌های علمی و تخصصی معلمان تربیت‌بدنی آموزش و پرورش کشور در سندج بود. بر اساس گزارش‌های کسب‌شده تعداد این افراد شامل 192 معلم ورزش مرد بود. بر اساس انتخاب تمام‌شمار تمامی این افراد به عنوان

1. Warfield
2. Faysal

نمونه انتخاب شدند. در نهایت پس از پخش و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های تحقیق، تعداد 154 پرسش‌نامه سالم، جمع‌آوری گردید. میانگین سنی نمونه‌های تحقیق شامل 36/6 و انحراف استاندارد 2/24 بود. ابزار تحقیق حاضر پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود. این پرسش‌نامه با 25 سؤال به بررسی موانع توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش پرداخته بود که 25 مانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش را شامل می‌شد. در جهت شناسایی این موانع از مطالعه جامع منابع و همچنین بررسی نظرات خبرگان در قالب روش دلفی¹ استفاده گردید. اعضای تیم دلفی در تحقیق حاضر برخی خبرگان و معلمان آگاه به حوزه فوق‌برنامه در ورزش مدارس بودند که تعداد آنان 7 نفر بود. بدین منظور در دور اول روش دلفی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جهت شناسایی و تعیین موانع اولیه استفاده گردید. بدین منظور محقق با انجام برخی مصاحبه‌ها و تحلیل یافته‌های ناشی از مصاحبه‌ها، برخی موانع اولیه را مشاهده و استخراج نمود. در جهت شناسایی این موانع اولیه محقق نیز برخی موانع مستخرج از مطالعات نظری خود را ارائه داد. در نهایت در پایان دور اول روش دلفی و انجام مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد 17 مانع اولیه، به عنوان موانع توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش مشخص و شناسایی گردید. سپس با بررسی و انجام روش دلفی در مرحله اول، تعداد 8 مانع دیگر از منظر خبرگان به موانع شناسایی شده اضافه گردید. این 8 مانع از جمله موانعی هستند که از منظر خبرگان، مربوط به شرایط و ویژگی‌های کشورهای ایران می‌باشند. سپس در مرحله دوم روش دلفی، 25 مانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش شناسایی شد، مورد اتفاق نظر خبرگان رسید و در نهایت این 25 مانع، به عنوان موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش مشخص شدند. بنابراین روش دلفی در تحقیق حاضر در دو مرحله انجام گردید. این موانع قبل از شروع مسابقات در فرایند یک ماهه شناسایی و نهایی گردید. خروجی روش دلفی پرسش‌نامه‌ای بود که جهت پخش در حین مسابقات ورزشی مدنظر طراحی گردید.

ساختاردهی موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش، بر اساس روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بود. این پرسش‌نامه به مقایسه دو به دو 6 مانع کلی شناسایی شده در تحقیق حاضر بر اساس استانداردهای این روش پرداخته بود. روایی محتوایی این پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نظرات خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در خصوص روایی محتوایی این پرسش‌نامه‌ها نیز با

1. Delphi method

استفاده از فرم‌های روایی سنجی CVI و CVR روایی مورد تأیید قرار گرفت. مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (7 نفر)، 0/99 و مقدار CVI، 0/99 برای پرسش‌نامه‌ها به دست آمد. بنابراین روایی محتوای پرسش‌نامه‌های تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. روش انجام تحقیق حاضر جهت ساختاردهی به موانع شناسایی شده، روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری می‌باشد. این مدل دارای 5 گام اصلی شامل ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری، به دست آوردن ماتریس دستیابی، تعیین سطح و ماتریس استاندارد، تشکیل مدل ساختاری تفسیری و تحلیل MicMac می‌باشد. بدین جهت در جهت انجام روش آماری تحلیل عاملی اکتشافی از نرم افزار SPSS استفاده گردید. در جهت بررسی و تحلیل روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری از نرم افزار MicMac استفاده گردید.

یافته‌ها

نتایج توصیفی تحقیق حاضر نشان داد که گروه سنی 30-40 سال با فراوانی 52 درصد بیشترین فراوانی را دارا بود. همچنین نتایج توصیفی تحقیق مشخص نمود که سطح تحصیلات کارشناسی ارشد با حدود 61 درصد بیشترین فراوانی را در میان نمونه‌های تحقیق شامل گردید. در جهت استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، در ابتدا، جهت بررسی کفایت حجم نمونه برداری از آزمون کفایت نمونه برداری کیزر-می‌یر - الکین استفاده شد که میزان این آزمون 0/852 به دست آمد که نشان‌گر مناسب بودن میزان این آماره است. سپس برای این که مشخص شود همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر صفر نیست، از آزمون کرویت بارتل استفاده شد که نتایج این آزمون در سطح 99 درصد اطمینان معنی‌دار شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که در کل 6 عامل (مدیریتی، زیرساختی، آموزشی، فرهنگی، مالی و فردی) 83/589 درصد از واریانس کل سؤالات را در بر گرفت. جدول شماره 1 نتایج بار عاملی مربوط به هر گویه و دسته‌بندی موانع را نشان می‌دهد.

جدول شماره 1- نتایج آزمون تحلیل عاملی اکتشافی

ردیف	گویه‌ها	موانع مدیریتی	موانع زیرساختی	موانع آموزشی	موانع فرهنگی	موانع مالی	موانع فردی
1	نبود نظارت بر برنامه‌های ورزشی موجود	0/885					
2	عدم نیازسنجی از ذی‌نفعان در جهت طراحی دوره‌های فوق برنامه ورزشی	0/817					
3	عدم توانایی و مهارت نیروی انسانی در پیشبرد اهداف دوره‌های فوق برنامه ورزشی	0/753					
4	عدم برخورداری از برنامه‌ریزی و طرح-ریزی در ارتباط با دوره‌های فوق برنامه ورزشی	0/710					
5	عدم استفاده از نیروی انسانی متخصص در طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های فوق برنامه ورزشی	0/652					
6	نبود جذابیت‌های محیطی در جذب دانش‌آموزان به دوره‌های فوق برنامه ورزشی	0/603					
7	عدم آگاهی مسئولین آموزش و پرورش از خلأهای موجود ورزشی در مدارس کشور	0/852					
8	فقدان تفکیک‌سازی اماکن ورزشی موجود در رشته‌های ورزشی مختلف	0/814					
9	عدم تأسیس امکانات ورزشی جدید	0/739					
10	فقدان تعمیر و بازرینی تجهیزات جدید ورزشی	0/621					
11	فقدان ایمن‌سازی اماکن ورزشی موجود در مدارس	0/559					
12	نبود آموزش‌های مناسب و کارآمد ورزشی به دانش‌آموزان	0/829					
13	نبود سیستم استعدادیابی در ورزش آموزش و پرورش	0/763					
14	نبود آموزش‌های مناسب و کارآمد ورزشی به دانش‌آموزان	0/628					

ردیف	گویه‌ها	موانع مدیریتی	موانع زیرساختی	موانع آموزشی	موانع فرهنگی	موانع مالی	موانع فردی
15	عدم استفاده از کتب و فیلم‌های آموزشی در دوره‌های فوق برنامه ورزشی			0/551			
16	پایین بودن میزان فرهنگ مشارکت ورزشی در میان دانش‌آموزان				0/741		
17	پایین بودن میزان فرهنگ مشارکت ورزشی در میان دانش‌آموزان				0/698		
18	فقدان استفاده از برخی مربیان و چهره‌های ورزشی مشهور در جهت حضور نمایندگان در دوره‌های فوق برنامه ورزشی				0/558		
19	پایین بودن میزان جذابیت ورزش در میان دانش‌آموزان			0/478			
20	تقسیم ناعادلانه بودجه مدارس در جهت امور ورزشی و غیرورزشی					0/771	
21	فقدان بستر جذب حامیان مالی در ورزش آموزش و پرورش				0/732		
22	وجود مشکلات مالی در جهت پیشبرد اهداف دوره‌های فوق برنامه ورزشی				0/589		
23	افزایش جذابیت‌های برخی فعالیت‌های غیرورزشی در میان دانش‌آموزان						0/799
24	میزان مهارت پایین دانش‌آموزان در انواع ورزش‌ها						0/597
25	تغییر در سبک زندگی دانش‌آموزان						0/530

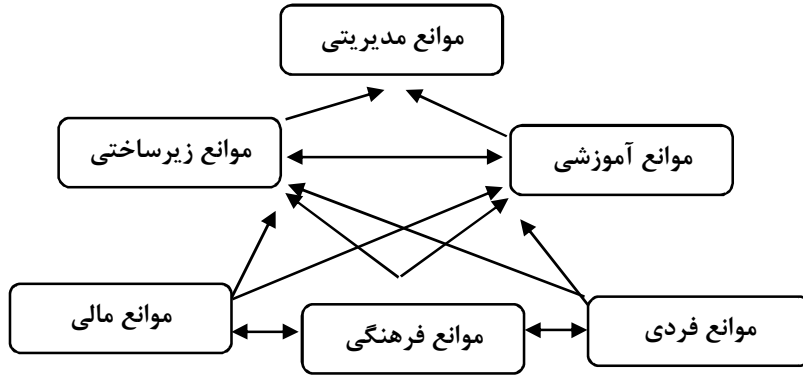
همان‌طور که نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد، تعداد 6 مانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش وجود دارد. در این بین، نبود نظارت بر برنامه‌های ورزشی موجود با بار عاملی 0/885، مهم‌ترین گویه موانع مدیریتی؛ عدم آگاهی مسئولین آموزش و پرورش از خلأ موجود ورزشی در مدارس کشور با بار عاملی 0/852، مهم‌ترین گویه موانع زیرساختی؛ نبود آموزش‌های مناسب و کارآمد ورزشی به دانش‌آموزان با بار عاملی 0/829، مهم‌ترین گویه موانع آموزشی؛ پایین بودن میزان فرهنگ مشارکت ورزشی در میان دانش‌آموزان با بار عاملی 0/741، مهم‌ترین گویه موانع فرهنگی؛ تقسیم ناعادلانه بودجه مدارس در جهت امور ورزشی و غیرورزشی با بار عاملی 0/771، مهم‌ترین گویه

موانع مالی و نهایتاً افزایش جذابیت‌های برخی فعالیت‌های غیرورزشی در میان دانش‌آموزان با بار عاملی 0/799، مهم‌ترین گویه موانع فردی می‌باشد. از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری در جهت ساختاردهی به موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش استفاده شد. در این تحقیق 6 مانع شناسایی شده شامل موانع مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی، آموزشی، فردی و مالی به عنوان معیارها و عناصر مدنظر در مرحله اول روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مورد استفاده قرار گرفت. در ادامه تحقیق در جهت انجام روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، از ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری استفاده گردید. جدول 2 سطح مربوط به هر یک از موانع را نشان می‌دهد که سطح‌بندی‌های انجام‌شده بر اساس خروجی‌ها و ورودی‌های انجام‌شده می‌باشد.

جدول 2- تعیین سطح موانع شناسایی شده

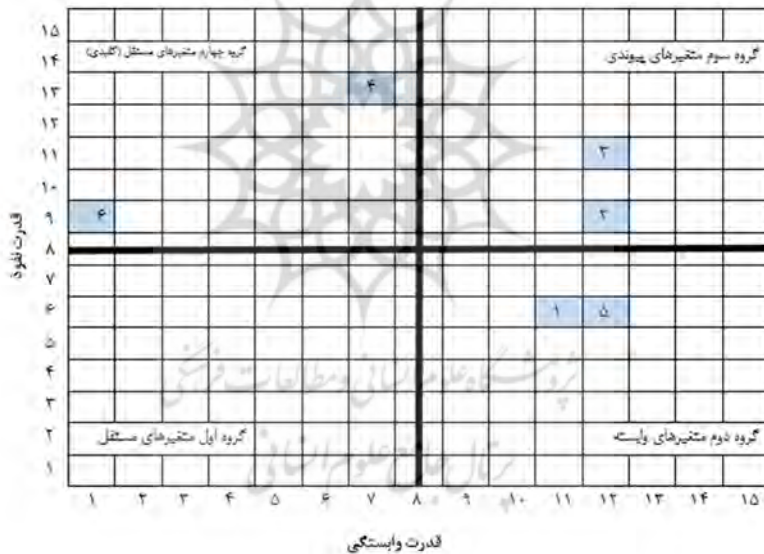
مراحل	موانع	ورودی	خروجی	مشترک	سطح
	موانع مالی	5-3-1	6-5-4-3-1	5-3-1	1
	موانع فردی	5-4-3-2	6-5-4-3-2	5-4-3-2	1
مرحله اول	موانع زیرساختی	5-4-3-2-1	6-4-3-2-1	4-3-2-1	
	موانع آموزشی	5-4-3-2-1	4-3-2	4-3-2	
	موانع فرهنگی	5-2-1	5-4-3-2-1	5-2-1	1
	موانع مدیریتی	6-3-2-1	6	6	
	موانع زیرساختی	4-3	6-4-3	4-3	2
مرحله دوم	موانع آموزشی	4-3	4-3	4-3	2
	موانع مدیریتی	6-3	6	6	
مرحله سوم	موانع مدیریتی	6	6	6	3

با توجه به نتایج جدول 3، مشخص گردید که 3 سطح کلی، در تحقیق حاضر وجود دارد که این سطوح در قالب مدل در شکل 1 به نمایش گذاشته است.



شکل شماره 1- مدل ساختاری تفسیری موانع

شکل شماره 2، تحلیل MicMac در تحقیق حاضر را به نمایش گذاشته است.



شکل شماره 2- تحلیل MicMac

با توجه به جدول بالا مشخص شد که موانع مالی و فرهنگی جزو موانع وابسته می‌باشند که بیشتر از سوی سایر موانع تأثیرپذیرند. نتایج همچنین نشان داد که موانع فردی و زیرساختی، جزو موانع پیوندی هستند. بدین معنا که هرگونه عملی روی این موانع، سبب تغییر در سایر متغیرها می‌گردد. نتایج همچنین

نشان داد که موانع آموزشی و مدیریتی جزو موانع مستقل کلیدی می‌باشند که سبب تأثیرگذاری بر سایر موانع می‌شوند. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که از میان موانع شناسایی شده، هیچ کدام جز متغیرهای مستقل خودمختار نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش، نیاز به شناسایی و مطالعه ابعاد مختلف آن از جمله موانع توسعه این دوره‌ها ضروری می‌باشد. این مهم سبب گردید تا تحقیق حاضر با هدف شناسایی و ساختاردهی موانع توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش از منظر معلمان مرد شرکت‌کننده در مسابقات علمی فرهنگی ورزشی طراحی و اجرا شود. با این توجه، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که 6 مانع مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی، آموزشی، مالی و فردی نقش مهمی در توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش دارد. در تحقیقات اندکی به بررسی موانع توسعه این دوره‌ها پرداخته شده است. پوماهاسی و سوپا (2017) اشاره داشتند که موانع فرهنگی، مدیریتی و تجهیزاتی نقش مهمی در پیاده‌سازی اهداف ورزشی در مدارس دارند. دیرینگر و جودگی (2015) نیز مشخص نمودند که مشکلات مالی و زیرساختی از جمله مسائل مهم در توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی هستند. با توجه به ماهیت دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش در کشور ایران، برخی موانع در این مسیر سبب ایجاد اختلالاتی برای این دوره‌ها می‌گردد. به نظر می‌رسد در مسیر توسعه این دوره‌ها، موانع مختلفی در تمامی ابعاد از جمله امکانات، زیرساخت‌ها، مدیریت، فرهنگ‌سازی، آموزشی، مالی و فردی وجود دارد. این مسأله اهمیت بررسی و تحقیق در جهت شناسایی و برنامه‌ریزی در خصوص موانع مؤثر بر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که موانع آموزشی و مدیریتی نقش مهمی در شکل‌گیری سایر موانع در مسیر توسعه دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش دارد. پوماهاسی و سوپا (2017)، بریانت، بولتون و فلمینگ¹ (2015)، ماتینز² و همکاران (2016) و دی‌مستر³ و همکاران (2017) در تحقیقات به نقش مسائل آموزشی در بهبود دوره‌های فوق‌برنامه اشاره داشتند. موانع آموزشی ضمن تأثیرگذاری بر برخی جنبه‌های مهارتی و فرهنگی در خصوص دوره‌های فوق‌برنامه، می‌تواند سبب تأثیرگذاری بر

1. Bryant, Bolton & Fleming

2. Martinez

3. De meester

دستیابی به اهداف دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش گردد. به نظر می‌رسد عدم توجه به مسائل آموزشی از جمله بهبود مهارت‌های ورزشی دانش‌آموزان و همچنین عدم وجود استانداردها و سیستم استعدادیابی مناسب در ارتباط با دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش سبب شده تا کارکردهای ورزش در آموزش و پرورش به خوبی مورد بررسی و شناسایی قرار نگیرد. این مسأله موجب می‌شود برخی مشکلات دیگر از جمله معضلات فرهنگی و مالی در این حوزه خود را نشان دهند.

آزمون (1391) در کتاب خود مشخص کرد که زیربنای تمامی برنامه‌های ورزشی در مدارس، مسائل مدیریتی است. به گفته مومنی (1395) خلأ مدیریت مناسب در ورزش آموزش و پرورش مشهود است. از طرفی لیانگ و یوان¹ (2017)، پوماهاسی و سوپا (2017) و کوهن² و همکاران (2007) اشاره داشتند که مسائل مدیریتی نقش مهمی در بهبود و گسترش دوره‌های فوق برنامه در آموزش و پرورش دارد. مسائل مدیریتی و نظارتی سبب می‌گردد تا رویه‌های منظمی جهت توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی ایجاد شود. نظارت بر برنامه‌های ورزشی در مدارس موجب شفاف نشدن واقعیت‌ها در این حوزه بر افراد می‌شود. به نظر می‌رسد موانع مدیریتی از جمله عدم وجود نظارت‌های مناسب بر دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش سبب می‌گردد تا چهره مناسبی از این دوره‌ها در جامعه به وجود آید و از طرفی جنبه‌های منفی و مخرب این دوره‌ها مشخص نشود. از سویی، عدم نیازسنجی از ذی‌نفعان در جهت برنامه‌ریزی برنامه‌های ورزشی باعث می‌شود میزان استقبال از این دوره‌ها به شدت کاهش یابد. رودریگوز و همکاران (2017) اشاره داشتند که عدم نیازسنجی در طرح‌ریزی برنامه‌های ورزشی در مدارس موجب می‌شود نتوان از پتانسیل‌ها و علائق موجود بهره لازم را برد. از این رو عدم نیازسنجی از ذی‌نفعان سبب خواهد گردید تا گروه‌هایی از افراد از این دوره‌ها استقبال نکنند. همچنین این مسأله، برخی پتانسیل‌های موجود در ورزش آموزش و پرورش را بلااستفاده می‌کند.

از طرفی تحقیق حاضر نشان داد که موانع فردی و موانع زیرساختی، جزو موانع پیوندی می‌باشد که خود سبب شکل‌گیری سایر موانع می‌گردند. در این بین لازم به ذکر است که میزان تأثیرگذاری موانع فردی و زیرساختی کمتر از موانع مدیریتی و آموزشی می‌باشد. مومنی (1395) در کتاب خود مشخص نمود که مسائل زیرساختی مهم‌ترین نقش را بر توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش دارد. الکساندر و ولادیسلاو³ (2015) اشاره داشتند که تغییرات سبک زندگی در میان دانش‌آموزان

1. Liang & Yuan
2. Cohen
3. Alexander & Vladislav

سبب گردیده میزان استقبال از برنامه‌های ورزشی مدارس کاهش یابد. از طرفی رورتر¹ و همکاران (2014) پی بردند که مشکلات زیرساختی و نبود برنامه‌ریزی مناسب در خصوص رفع آن سبب شده تا میزان دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی با مشکلاتی جدی رو به رو شود. به نظر می‌رسد موانع فردی و زیرساختی سبب می‌گردد میزان انگیزش دانش‌آموزان به ورزش تا حد زیادی کاهش یابد. این مسأله باعث می‌شود نتوان فرهنگ‌سازی در مسیر دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی را به شکل مناسبی ایجاد نمود. از طرفی این کاهش انگیزش سبب می‌گردد منابع مالی در جهت پیاده‌سازی اهداف مدارس از دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی به صورت مناسب در اختیار آنان قرار نگیرد.

با توجه به اهمیت دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی در آموزش و پرورش، موانع مختلفی در مسیر توسعه این دوره‌ها وجود دارد. کارکردهای این دوره‌ها در راستای فرهنگ‌سازی ورزش و توسعه سطوح مختلف ورزش سبب گردیده تا برنامه‌ریزی در جهت رفع موانع توسعه این دوره‌ها، ضروری شود. با توجه به اهمیت موانع مدیریتی و آموزشی، به نظر می‌رسد ایجاد نظارت‌های مناسب از این دوره‌ها و عدم اکتفا به عکس و اخبار غیرواقعی در خصوص فعالیت‌های انجام گرفته در این دوره‌ها، باعث می‌شود فعالیت‌های انجام گرفته در این دوره‌ها، رنگ و بوی حقیقی به خود گیرد. از طرفی بهبود توجه به مهارت‌های دانش‌آموزان در این دوره‌ها و ارائه آموزش‌های مناسب به آنان مطابق با استانداردهای موجود سبب خواهد شد تا بتوان بعد آموزشی این دوره‌ها را تقویت کرد. همچنین ایجاد سیستم استعدادیابی در این دوره‌ها با تمرکز بر تمامی رشته‌های ورزشی موجب می‌شود با تقویت مسائل آموزشی در این حوزه، به تقویت این دوره‌ها در آموزش و پرورش پرداخت.

از طرفی برنامه‌ریزی در جهت تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان و ایجاد سیاست‌های انگیزشی در جهت افزایش مشارکت ورزشی دانش‌آموزان سبب خواهد گردید تا میزان استقبال از دوره‌های فوق‌برنامه ورزشی افزایش یابد. در مسیر تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان، به تحول فرهنگی مناسب و افزایش بی‌نظیر نیروی‌های انگیزشی در میان آنان نیاز است. بهبود وضعیت امکان ورزشی آموزش و پرورش و نظارت بر آنان در جهت تعمیر و عیب‌یابی این اماکن و تجهیزات آن، سبب خواهد شد نیازهای اولیه ورزش در آموزش و پرورش رفع شود. با توجه به مشکلات موجود در مسیر ساخت امکان ورزشی جدید، نیاز است تا با ایجاد ارتباطات بین‌سازمانی از پتانسیل‌های سایر سازمان‌ها در مسیر رشد دوره‌های

فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش بهره لازم را برد. به نظر می‌رسد بهبود وضعیت زیرساختی، خود یک نیروی انگیزشی در مسیر استفاده دانش آموزان از دوره‌های فوق برنامه ورزشی، ایجاد خواهد نمود. امید است نتایج تحقیق حاضر با ایجاد شفافیت‌هایی در خصوص مشکلاتی واقعی توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش، بتواند به برنامه‌ریزی مناسب در مسیر رشد و تعالی ورزش در مدارس و بهره‌گیری از کارکردهای مناسب دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش کمک کند. با توجه اهمیت موانع آموزشی و مدیریتی نیاز است تا تحقیقاتی در این خصوص انجام شود. از این رو پیشنهاد می‌شود محققان در تحقیقات خود به نیازسنجی بهبود وضعیت مدیریتی در آموزش و پرورش جهت توسعه دوره‌های فوق برنامه ورزشی در میان معلمان اقدام کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی پیرامون نیازسنجی در خصوص نوع فعالیت مورد علاقه معلمان و شدت و نحوه انجام آن در دوره‌های فوق برنامه ورزشی آنان صورت گیرد. همچنین با توجه به اهمیت درک وضعیت موجود در خصوص دوره‌های فوق برنامه ورزشی در میان معلمان، نیاز است تحقیقی به بررسی وضعیت موجود و مطلوب دوره‌های فوق برنامه ورزشی در آموزش و پرورش بپردازد.

منابع

- آزمون، جواد. (1391). تربیت بدنی در مدارس. چاپ اول، تهران: انتشارات ورزش.
- حمیدی، مهرزاد و دیگران. (1396). «تدوین استراتژی‌های تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی وزارت آموزش و پرورش». خانواده و پژوهش، 14(34)، 33-50.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ حسن نجفی و سولماز نورآبادی. (1396). «مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران». مطالعات ملی، 18(2)، 25-44.
- مومنی، محسن. (1395). پژوهش در تربیت بدنی مدارس، مطالعه موردی هنرستان‌های تربیت بدنی. چاپ اول، تهران: انتشارات مینوفر.

Alexander, B., & Vladislav, B. (2015). Structure and content of the educational technology of managing students' healthy lifestyle. *Journal of Physical Education and Sport*, 15(3), 362.

Bryant, A., Bolton, N., & Fleming, S. (2015). *Extracurricular sport and physical activity in Welsh secondary schools: Leisure lifestyles and young people*.

Chalip, L. (2006). Toward a distinctive sport management discipline. *Journal of Sport Management*, 1, 20-21.

- Christensen, M. K., & Sørensen, J. K. (2009). Sport or school? Dreams and dilemmas for talented young Danish football players. *European Physical Education Review*, 15(1), 115-133.
- Cohen, D. A., Taylor, S. L., Zonta, M., Vestal, K. D., & Schuster, M. A. (2007). Availability of High School Extracurricular Sports Programs and High-Risk Behaviors. *Journal of School Health*, 77(2), 80-86.
- Dagkas, S. (2018). "Is social inclusion through PE, Sport and PA still a rhetoric?" Evaluating the relationship between physical education, sport and social inclusion. *Educational Review*, 70(1), 67-74.
- De Meester, A., Cardon, G., De Bourdeaudhuij, I., & Haerens, L. (2017). Extracurricular School-Based Sports as a Stepping Stone Toward an Active Lifestyle? Differences in Physical Activity and Sports-Motivation Between Extracurricular School-Based Sports Participants and Non-Participants. *Journal of Teaching in Physical Education*, 36(4), 485-497.
- Dieringer, S. T., & Judge, L. W. (2015). Inclusion in extracurricular sport: A how-to guide for implementation strategies. *Physical Educator*, 72(1), 87.
- Guest, A. M. (2018). The social organization of extracurricular activities: Interpreting developmental meanings in contrasting high schools. *Qualitative Psychology*, 5(1), 41.
- Gutiérrez, M., Gil-Madrona, P., Prieto-Ayuso, A., & Díaz-Suarez, A. (2017). Appropriate behaviours in physical education and the sport at school and validation of the questionnaire. *Cuadernos de Psicología del Deporte*, 17(2), 99-110.
- He, M., Xiang, F., Zeng, Y., Mai, J., Chen, Q., Zhang, J., ... & Morgan, I. G. (2015). Effect of time spent outdoors at school on the development of myopia among children in China: a randomized clinical trial. *Jama*, 314(11), 1142-1148.
- Heinze, K. L., & Zdroik, J. (2018). School board decision-making and the elimination of sport participation fees. *Sport, Education and Society*, 23(1), 53-67.
- Iwasaki, Y., Nishino, H., Onda, T., & Bowling, C. (2007). Research reflections on leisure research in a global world: Time to reverse the western domination in leisure research? *Leisure Sciences*, 29, 113-117
- Kirk, D. (2005). Physical education, youth sport and lifelong participation: the importance of early learning experiences. *European Physical Education Review*, 11(3), 239-255.
- Liang, H., & Yuan, Y. (2017). Optimized Organization Mode about College Girls Participating in Extracurricular Sport and Healthy Life. *Eurasia Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 13(8), 5157-5164.

- Martinez, A., Coker, C., McMahon, S. D., Cohen, J., & Thapa, A. (2016). Involvement in extracurricular activities: Identifying differences in perceptions of school climate. *The Educational and Developmental Psychologist*, 33(1), 70-84.
- Massey, W. V., Whitley, M. A., Blom, L., & Gerstein, L. H. (2015). Sport for development and peace: a systems theory perspective on promoting sustainable change. *International journal of sport management and marketing*, 16(1-2), 18-35.
- Meier, A., Hartmann, B. S., & Larson, R. (2018). A Quarter Century of Participation in School-Based Extracurricular Activities: Inequalities by Race, Class, Gender and Age?. *Journal of youth and adolescence*, 1-18.
- Pomohaci, M., & Sopa, I. S. (2017). Extracurricular Sport Activities and their Importance in Children Socialization and Integration Process. *Scientific Bulletin*, 22(1), 46-59.
- Rainer, P., Griffiths, R., Cropley, B., & Jarvis, S. (2015). Barriers to Delivering Extracurricular School Sport and Physical Activity in Wales: A Qualitative Study of 5x60 Officers' Views and Perspectives. *Journal of Physical Activity and Health*, 12(2), 245-252.
- Rettig, J., & Hu, S. (2016). College sport participation and student educational experiences and selected college outcomes. *Journal of College Student Development*, 57(4), 428-446.
- Reverter, M., Plaza, M., JovéDeltell, M. C., & Hernández, G. (2014). Extracurricular physical and sports activities in elementary students: the case of Torrevieja (Alicante). *RETOS-Neuvas Tendencias en Educacion Fisica, Deporte y Recreacion*, (25), 48-52.
- Rodrigues, D., Padez, C., & Machado-Rodrigues, A. M. (2017). Active parents, active children: The importance of parental organized physical activity in children's extracurricular sport participation. *Journal of Child Health Care*, 1367493517741686.
- Trudeau, F., & Shephard, R. J. (2008). Physical education, school physical activity, school sports and academic performance. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 5(1), 10-19.
- Wang, G., Pratt, M., Macera, C.A., Zheng, Z.-J., & Heath, G. (2004). Physical activity, cardiovascular disease, and medical expenditures in US adults. *Annals of Behavioral Medicine*, 28, 88_94.

Identification and structuring the barriers of extracurricular sports programs in education from the perspective of the men teachers participating in the scientific and cultural sports competitions

Hamed Hossin Poor¹, Ali Mohammad Amir Tash²

Abstract

The purpose of this study was to analyze Identification and structuring the barriers of extracurricular sports programs in education. The present study was descriptive analytical that was conducted field experiment. The statistical population of the study included all P.E teachers participating in the 28th year of the scientific and specialized competitions of education. According to reports, the number was 192 male P.E teachers . Based on the selection of all the numbers, all these individuals were selected as samples. The research instrument was a researcher-made questionnaire. In order to structure the barriers affecting the development of sports superconducting exercises in education, structural interpretive modeling and exploratory factor analysis were used. The results of exploratory factor analysis showed that in total, 6 factors (managerial, infrastructure, educational, cultural, financial and individual) included 83.589% of the total variance. The results also indicated that educational and managerial barriers are key independent barriers that affect other barriers. Regarding the results of this study, it has been shown that paying attention to educational and management issues in sports supplements in education can be hoped to improve the conditions for improving these courses.

Keywords: Management, education, superconductor, P.E teacher, sports program

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Phd student in Sport Management, Science and Research Branch, Iran.

2. Physical and Education Department, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, Corresponding author, Pejooresh@mail.com.